



درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: بررسی وثاقت بعضی روایات مورد اختلاف
موضوع جزئی: ۴- معلی بن خنیس
سال: چهارم
تاریخ: ۲ اردیبهشت ۱۳۹۳
مصادف با: ۲۲ جمادی الثانی ۱۴۳۵
جلسه: ۲۳

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

۴- معلی بن خنیس:

روایاتی که در کتب اربعه از معلی بن خنیس نقل شده به اندازه روایات افرادی که در گذشته مورد بررسی قرار گرفتند نیست، اما بنا بر آنچه مرحوم علامه در رجال فرموده در کتب اربعه حدود ۸۰ روایت از معلی بن خنیس نقل شده^۱، البته بعضی از روایات هم صرفاً با نام معلی در کتب اربعه ذکر شده است.

اقوال:

به طور کلی سه قول درباره وثاقت و عدم وثاقت معلی بن خنیس بیان شده:

قول اول: اکثراً قائل به وثاقت معلی بن خنیس شده‌اند، شیخ طوسی^۲ از متقدمین و ابن طاووس، وحید بهبهانی، محقق کاظمی و مرحوم آقای خویی^۳ از متأخرین از جمله کسانی هستند که قائل به وثاقت معلی بن خنیس شده‌اند.^۴

قول دوم: بعضی هم قائل به ضعف معلی بن خنیس شده‌اند؛ از جمله نجاشی^۵، ابن غضائری^۶ و محقق حلی در کتاب معتبر.^۷

قول سوم: بعضی از جمله علامه حلی هم در مورد این شخص توقف کرده‌اند.^۸

حال باید ادله دال بر وثاقت و ضعف معلی بن خنیس را ذکر و مورد بررسی قرار دهیم تا حق در مسئله روشن شود.

ادله وثاقت:

دلیل اول: روایت اجلاء

بزرگانی از روایات از جمله عبدالله بن مسکان، جمیل بن درّاج، هشام بن سالم، ابن ابی عمیر و امثال اینها از معلی بن خنیس روایت نقل کرده‌اند، البته از ابن ابی عمیر فقط یک مورد در کتب اربعه از معلی بن خنیس روایت نقل شده است.^۹

دلیل دوم: وقوع در اسناد تفسیر علی بن ابراهیم

در بخش اول تفسیر علی بن ابراهیم قمی و آن هم در موارد متعدد، نام معلی بن خنیس ذکر شده به خلاف روایات قبلی که عمدتاً در بخش دوم این تفسیر ذکر شده بودند و به خاطر همین هم مورد اشکال واقع شدند لکن نام معلی بن خنیس در

۱. رجال علامه، ص ۲۵۹.

۲. کتاب الغیبه، ص ۲۱۰.

۳. معجم رجال الحدیث، ج ۱۹، ص ۲۶۸.

۴. تنقیح المقال، ج ۳، ص ۲۳۰.

۵. رجال نجاشی، ج ۲، ص ۳۶۳.

۶. مجمع الرجال، ج ۶، ص ۱۱۰.

۷. تنقیح المقال، ج ۳، ص ۲۳۲.

۸. رجال علامه، ص ۲۵۹.

۹. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۶۸۱.

بخش اول این تفسیر که متعلق به خود علی بن ابراهیم است ذکر شده لذا این خود دلیلی بر وثاقت معلی بن خنیس می باشد.

دلیل سوم: عدم استثناء از کتاب نوادر الحکمه

ابن ولید نام معلی بن خنیس را از کتاب نوادر الحکمه استثناء نکرده لذا خود همین عدم استثناء دال بر وثاقت اوست.

دلیل چهارم: کلام بزرگان علم رجال درباره او

بعضی از بزرگان علم رجال نکاتی را درباره معلی بن خنیس گفته اند.

۱- شیخ طوسی درباره او می گوید: «و کان من قوّم ابی عبدالله (ع) و انما قتله داوود بن علی بسببه و کان محموداً عنده و مضی علی منهاجه و امره مشهور»^۱ و سپس روایاتی در مدح معلی بن خنیس ذکر کرده است.

۲- ابن طاووس درباره معلی بن خنیس گفته: «ان المعلی من اجلاء و کلاء الامام الصادق (ع)».

دلیل پنجم: روایات دال بر مدح او

شاید متجاوز از ۱۰ روایت در مدح معلی بن خنیس وارد شده باشد که اگر چه ممکن است سند بعضی از این روایات دچار ضعف باشد اما بعضی روایات سنداً صحیح و قابل استناد هستند.

روایت اول: فرّوی عن ابی بصیر لما قتل داوود بن علی المعلی بن خنیس فصلبه عظم ذلک علی ابی عبدالله (ع) و اشتدّ علیه و قال (ع) له: «یا داوود علی ما قتلت مولای و قیمی فی مالی و علی عیالی و الله انه لأوجه عند الله منک»^۲؛ از ابی بصیر روایت شده که وقتی داوود بن علی معلی بن خنیس را به قتل رساند این امر بر امام صادق (ع) گران آمد و به او فرمود: ای داوود چرا کسی را که قیم در مال و عیال من بود به قتل رساندی، قطعاً او نزد خداوند متعال از تو وجیه تر است. و در روایت دیگر حتی این تعبیر آمده که امام صادق (ع) درباره معلی بن خنیس فرمودند: «...اما والله لقد دخل الجنّه»؛ به خدا سوگند او داخل در بهشت شد.

روایت دوم: محمد بن یعقوب عن علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن أبي عمير عن حماد بن عثمان عن الوليد بن صبيح قال: جاء رجل إلى أبي عبدالله عليه السلام يدعى علي المعلي بن خنیس دینا علیه و قال: ذهب بحقی، فقال أبو عبدالله علیه السلام: «ذهب بحقك الذي قتله ثم قال للوليد: قم إلى الرجل فاقضه من حقه فإني أريد أن ابرد عليه جلده الذي كان باردا»^۳؛ بعد از فوت معلی بن خنیس شخصی خدمت امام صادق (ع) آمده و ادعا کرد معلی مدیون و بدهکار من بوده، امام (ع) به ولید فرمودند: نزد آن شخص برو و حق او را پرداز، من می خواهم معلی بن خنیس از آتش به دور باشد.

اینکه امام صادق (ع) دستور می دهند دین معلی بن خنیس را پردازند نشان دهنده علاقه حضرت (ع) به معلی است.

روایت سوم: علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن أبي عمير عن الوليد بن صبيح عن أبي عبدالله (ع) أنه قال: «دخلت عليه يوما فألقى إلي ثياباً و قال: يا ولید ردها علی مطاویها فقتت بین یدیه، فقال أبو عبدالله (ع): رحم الله المعلی بن خنیس، فظننت أنه شبه قیامی بین یدیه قیام المعلی بین یدیه، ثم قال: أفٌ للدنیا أفٌ للدنیا، إنما الدنيا دار بلاء یسلط الله فیها عدوه علی

۱. کتاب الغیبه، ص ۲۱۰.

۲. همان.

۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۵۱۳، باب الدعاء علی العدو، حدیث ۵.

ولیه و إن بعدها دارا لیست هکذا، فقلت: جعلت فداک و این تلک الدار؟ فقال: ههنا و أشار بیده إلى الارض؛^۱ راوی می‌گوید چون برخاستن من در مقابل امام صادق (ع) شبیه برخاستن معلی بن خنیس بود به محض اینکه من در مقابل ایشان برخاستم امام (ع) فرمودند: خدا معلی بن خنیس را رحمت کند و اینکه امام (ع) این جمله را درباره معلی بن خنیس می‌فرماید حاکی از علاقه ایشان به معلی بوده است.

بحث جلسه آینده: ادله‌ای که بر ضعف معلی بن خنیس اقامه شده را در جلسه آینده ذکر خواهیم کرد تا بینیم حق در مسئله چیست.

«والحمد لله رب العالمین»

۱. الروضة من الکافی، ص ۲۰۴، حدیث ۴۶۹.